

تاریخ پنهان آیه چهل — عدد بیست و یک

وای دوم — بخش هشتم — حزقیال شماره دو

Jeff Pippenger

2026-08-05

حزقیال نماینده کسانی است که شیری از سبط یهودا برای آنان کار تعلیم را به انجام رسانیده است، و تعلیم بنیادی او «حکم بر حکم» است.

او که به ایشان گفت: «این است آرامشی که بدان می‌توانید خسته را آرامش بخشید؛ و این است تازگی و آسایش؛» باین‌حال، ایشان نخواستند بشنوند. اما کلام خداوند برای ایشان چنین بود: «حکم بر حکم، حکم بر حکم؛ قاعده بر قاعده، قاعده بر قاعده؛ اندکی اینجا، اندکی آنجا؛» تا بروند، و به عقب بیفتند، و شکسته شوند، و در دام گرفتار آیند، و اسیر گردند. اشعیا 28:12، 13.

اکنون شیر سبط یهودا در حال گشودن کتاب حزقیال است. به ما اعلام شده است که حزقیال در سال سی‌ام، کاهن است؛ خواه «سی» نمایانگر سن نمادین او به‌عنوان کاهن باشد، یا سال سی‌ام در خط نبوی‌ای که از یوبیل عظیم یوشیا آغاز شد. کهنات نهایی ایام آخر همان یکصد و چهل و چهار هزار است، و تاریخ‌های لفظی کهن، نمونه و مبین تاریخی نمادین در ایام آخر می‌باشند.

بلکه شما «کاهنان خداوند» نامیده خواهید شد؛ مردم شما را «خادمان خدای ما» خواهند خواند؛ شما ثروت امت‌ها را خواهید خورد، و در جلال ایشان بر خود خواهید بالید. اشعیا 61:6.

حزقیال نمادی از قوم خدا در ایام آخر است — همان تاریخ مقدسی که هر شهادت نبوی آن را باز می‌شناساند. آن تاریخ مقدس، جنبش فرشته سوم است، که به‌گونه‌ای ویژه به‌وسیله جنبش فرشته اول در سال ۱۸۴۰ به‌صورت نمونه‌ای پیشگویی شده بود. جنبش فرشته اول، فرشته آلفای آن سه فرشته بود و سومی، فرشته امگا است. از این‌رو، حزقیال در زمان مهرگذاری صد و چهل و چهار هزار، با پطرس هم‌راستا است. تاریخ نمادینی که هر دو، پطرس و حزقیال، در آن قرار دارند، به‌عنوان تاریخ پانایوم نمایش داده می‌شود.

کتاب کوچک

حزقیال آن طومار کوچک را برمی‌گیرد، چنان‌که یوحنا نیز در مکاشفه ۱۰ چنین کرد.

اما تو، ای پسر انسان، آنچه را که به تو می‌گویم بشنو؛ مانند آن خاندان سرکش، سرکش مباش؛ دهان خود را بگشا و آنچه را که به تو می‌دهم بخور. و چون نگریستم، اینک دستی به سوی من دراز شده بود؛ و اینک طومار کتابی در آن بود؛ و آن را پیش روی من گشود؛ و در اندرون و برون آن نوشته شده بود؛ و در آن، مرائی و ماتم و وای نوشته شده بود. و نیز به من گفت: ای پسر انسان، آنچه را می‌یابی بخور؛ این طومار را بخور و برو و به خاندان اسرائیل سخن بگو. پس دهان خود را گشودم، و او آن طومار را به من خورانید. و به من گفت: ای پسر انسان، شکم خود را بخوران و اندرونه خویش را از این طوماری که به تو می‌دهم پر ساز. آنگاه آن را خوردم؛ و در دهانم از شیرینی، مانند عسل بود. حزقیال 2:8-10، 3:1-3.

در مکاشفه دهم، یوحنا کتاب کوچک را می‌خورد، و تمام این فصل نمایانگر ظهور قدرت خدا از ۱۱ اوت ۱۸۴۰ تا ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ است.

«آن فرشته‌ای که در اعلام پیام فرشته سوم با او متحد می‌شود، باید تمام زمین را با جلال خویش روشن سازد. در اینجا کاری با گستره‌ای جهانی و قدرتی بی‌سابقه پیشگویی شده است. نهضت ظهور در سال‌های 1840-44 تجلی باشکوهی از قدرت خدا بود؛ پیام فرشته اول به هر ایستگاه بشارتی در جهان رسانده شد، و در برخی کشورها عظیم‌ترین علاقه دینی پدید آمد که از زمان اصلاح دینی سده شانزدهم در هیچ سرزمینی دیده نشده بود؛ اما اینها نیز در برابر جنبش نیرومند زیر آخرین هشدار فرشته سوم فزونی خواهد یافت.» کتاب جدال عظیم، 611.

حزقیال در باب دهم مکاشفه با یوحنا همسو است؛ از این رو پطرس، یوحنا و حزقیال در زمان مهرگذاری آن یکصد و چهل و چهار هزار، در جایگاه تعیین شده خویش با یکدیگر می‌ایستند.

۱۸۴۰ تا ۱۸۴۴ نمایانگر دوره‌ای چهارساله است که از هنگامی آغاز شد که نبوت زمانی‌ای که با یک دوره یکصد و پنجاه ساله در ۲۷ ژوئیه ۱۲۹۹ آغاز شده بود. آن «پنج ماه» به پایان رسید و با نبوت زمانی سیصد و نود و یک سال و پانزده روز، که در ۱۱ اوت ۱۸۴۰ خاتمه یافت، پیوست؛ آنگاه تجلی باشکوه قدرت خدا تا ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ آشکار گردید. سپس اعمال زمان نبوی متوقف شد.

و به آن که تا ابدالآباد زنده است، و آسمان و آنچه را که در آن است، و زمین و آنچه را که در آن است، و دریا و آنچه را که در آن است آفریده است، سوگند خورد که دیگر زمانی نخواهد بود. مکاشفه ۱۰:۶.

زمان نبوت به عنوان کاربردی معتبر از نبوت، در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ پایان یافت. حزقیال، پطرس و یوحنا هر یک نماینده باکره‌های حکیم خدا در حرکت فرشته اول و دوم، و نیز حرکت فرشته سوم هستند.

رؤیاها

یازده فصل نخست حزقیال، سلسله‌ای از «رؤیاها» را عرضه می‌کند، چنان که در آیه نخست فصل اول بیان شده است.

و واقع شد در سال سی‌ام، در ماه چهارم، در روز پنجم ماه، هنگامی که در میان اسیران نزد نهر خابور بودم، آسمان‌ها گشوده شد و رؤیاهای خدا را دیدم. حزقیال ۱:۱.

«رؤیاها»ی یازده فصل نخست، نخست در فصل اول نزد نهر خبار داده شد، سپس در رؤیای فصل سوم بر «دشت» بسط یافت، و آنگاه بار دیگر در رؤیای فصل هشتم در اورشلیم. سه مکان نهر خبار، دشت، و اورشلیم، نمایانگر سه رؤیا هستند که با هم یک رؤیا را تشکیل می‌دهند، و آن همان «رؤیاها»ی آیه یک و یازده فصل نخست است.

یوبیل

در نظر گرفتن سال سی‌ام به عنوان سی‌امین سال چرخه یوبیل که از فصیح مشهور یوشیا آغاز شد و سپس در ۲۲ اکتبر پایان یافت، به آسانی قابل پشتیبانی است، زیرا آن خط خاص از تاریخ مقدس به روشنی، سطر بر سطر، با بیش از یک شاهد ترسیم شده است. برای نمونه، فصیح نمایانگر اعیاد بهاری است و روز کفاره نمایانگر اعیاد پاییزی. بنابراین، لایوان بیست‌وسه با چرخه یوبیلی که با یوشیا آغاز شد، همسو است. خطوط دیگری نیز وجود دارند که با تاریخی که از پادشاه یوشیا تا ۲۲ اکتبر ۵۷۳ ق.م. بازنمایی شده است، هم‌راستا هستند. تحقق تاریخی یک سال یوبیل در ۲۲ اکتبر ۵۷۳ ق.م. از سوی مورخان پشتیبانی می‌شود.

گاه‌شماران عموماً با قرار دادن روز کفاره در ۲۲ اکتبر ۵۷۳ ق.م. موافق‌اند، و عید فصیح عظیم یوشیا در ۶۲۲ ق.م. نیز از سوی آن گاه‌شماران کتاب مقدسی تاریخی پذیرفته شده است. فصیح، که نمادی از

اعیاد بهاری بود، یک چرخه یوبیل چهل و نه ساله را آغاز کرد که در نماد اعیاد پاییزی، در روز کفّاره، به پایان رسید. هفت هفته سال‌هایی که چهل و نه سال را تشکیل می‌دادند، نمادهای سبت زمین بودند.

«در هر صفحه، خواه تاریخ باشد، یا حکم، یا نبوت، کتب مقدس عهد عتیق از جلال پسر خدا نورانی شده‌اند. تا آنجا که از تأسیس الهی بود، تمامی نظام یهودیت نبوتی فشرده از انجیل بود. همه انبیا بر مسیح شهادت می‌دهند. اعمال 10:43. از وعده‌ای که به آدم داده شد، و در امتداد نسل پدران تا نظام شریعت، نور جلال‌آمیز آسمان، رد پاهای نجات‌دهنده را آشکار ساخت. بینایان، ستاره بیت لحم و شیلوه آینده را مشاهده کردند، آنگاه که امور آینده در رژه‌ای رازآلود از برابر ایشان می‌گذشت. در هر قربانی، مرگ مسیح نمایانده می‌شد. در هر ابر بخور، عدالت او صعود می‌کرد. با هر شیپور یوبیل، نام او طنین می‌افکند. در راز هراس‌انگیز قدس‌الاقداص، جلال او ساکن بود.» آرزوی اعصار، 211.

هفده

صدقیا هنگامی به بابل برده شد که اورشلیم چهارده سال پیش از 573 ق.م. سقوط کرده بود. مورخان یهودی چرخه یوبیل را از زمان یوشیا در 622 تا 22 اکتبر 573، هفدهمین چرخه یوبیل شناسایی می‌کنند. دوره میان نبرد رافیا تا نبرد پانیوم هفده سال بود. بطلمیوس، پیروز نبرد رافیا بود، و به مدت هفده سال به عنوان پادشاه جنوب سلطنت کرد. از فرمان میلان تا زمانی که کنستانتین امپراتوری خود را در سال 330 تقسیم کرد، هفده سال بود. در هفدهمین چرخه یوبیل، اورشلیم به دست نبوکدنصر ویران شد.

زیرا بنی اسرائیل روزهای بسیار خواهند ماند بی پادشاه و بی امیر و بی قربانی و بی ستون مقدس و بی ایفود و بی ترفیم؛ و پس از آن، بنی اسرائیل بازگشت خواهند کرد و یهوه، خدای خویش، و داود، پادشاه خود، را خواهند طلبید؛ و در ایام آخر با ترس و خشوع به سوی یهوه و نیکویی او خواهند آمد. هوشع ۴:۳، ۵

هوشع به موضوعی می‌پردازد که ارتباطی مستقیم با اسارت صدقیا دارد، هرچند همچنین آغاز اسارت پادشاهی شمالی را در ۷۲۳ ق.م. نمایندگی می‌کند. سبب آن که فراز هوشع با شهادت حزقیال پیوند می‌یابد، به رد خدا باز می‌گردد، آنگاه که اسرائیل بر داشتن پادشاهی انسانی اصرار ورزید. میل اسرائیل به این که به جای پادشاهی الهی، تحت حکومت پادشاهی انسانی باشد، در داوری «هفت بار» در لاویان ۲۶ به عنوان «غرور قدرت شما» بازنمایی شده است.

و اگر با وجود همه اینها هنوز به من گوش فرا ندهید، آنگاه شما را به سبب گناهانتان هفت بار بیشتر مجازات خواهم کرد. و غرور قوت شما را درهم خواهم شکست؛ و آسمان شما را چون آهن، و زمین شما را چون برنج خواهم ساخت. لاویان 26:18، 19.

«غرور قوت شما» نمایانگر اشتیاق اسرائیل است به اینکه مانند جهان باشد و پادشاهی از آن خود داشته باشد. برکنار شدن پادشاه از پادشاهی شمالی در 723 ق.م، و سپس اسارت صدقیا، پادشاه پادشاهی جنوبی، در 586 ق.م، نمایانگر درهم شکستن «غرور» اسرائیل باستان است، و غرور پیش از سقوط می‌آید. در نبوت کتاب مقدس، «قدرت» همان پادشاه یا پادشاهی است، و غرور اسرائیل در به دست آوردن پادشاهی بشری، نشانه رد حکومت الهی و پادشاه الهی است.

و چنین واقع شد که چون سموئیل پیر شد، پسران خود را بر اسرائیل داوران ساخت. و نام نخست‌زاده‌اش یوئیل بود، و نام دومی‌اش ابیه؛ ایشان در بئر شبع داوری می‌کردند. اما پسرانش در طریق‌های او سلوک نمودند، بلکه از پی سود ناحق منحرف شدند، و رشوه گرفتند، و داوری را منحرف ساختند. آنگاه تمامی مشایخ اسرائیل گرد آمدند و نزد سموئیل به رame آمدند، و به او

گفتند: اینک تو پیر شده‌ای، و پسرانت در طریق‌های تو سلوک نمی‌کنند؛ پس الآن برای ما پادشاهی بگمار تا مانند تمامی امت‌ها ما را داوری کند. اما این امر در نظر سموئیل ناپسند آمد، هنگامی که گفتند: «پادشاهی به ما بده تا ما را داوری کند.» و سموئیل نزد خداوند دعا کرد. و خداوند به سموئیل گفت: «آواز قوم را در هرآنچه به تو می‌گویند بشنو، زیرا تو را رد نکرده‌اند، بلکه مرا رد کرده‌اند تا بر ایشان سلطنت ننمایم. موافق همه کارهایی که از روزی که ایشان را از مصر بیرون آوردم تا امروز کرده‌اند، و مرا ترک گفته و خدایان دیگر را عبادت نموده‌اند، همچنین با تو نیز چنین می‌کنند. پس الآن آواز ایشان را بشنو؛ لیکن ایشان را به‌جدا آزار نما، و رسم پادشاهی را که بر ایشان سلطنت خواهد کرد، بدیشان اعلام کن.» اول سموئیل ۸:۹-۹

باید توجه داشت که در آن مقطع، اسرائیل نه‌تنها خدا را به‌عنوان پادشاه خود رد کرد، بلکه روح نبوت را نیز، آن‌گونه که به‌وسیله سموئیل نمایان شده بود، رد نمود؛ زیرا می‌گوید: «مرا ترک کرده‌اند و خدایان دیگر را عبادت نموده‌اند؛ پس با تو نیز چنین می‌کنند.»

«شیطان... پیوسته امر جعلی را پیش می‌نهد تا مردم را از حقیقت منحرف سازد. واپسین فریب شیطان این خواهد بود که شهادت روح خدا را بی‌اثر گرداند. «جایی که رؤیا نباشد، قوم هلاک می‌شوند» (امثال 29:18). شیطان به‌طرزی زیرکانه، به شیوه‌های گوناگون و از طریق عوامل مختلف، عمل خواهد کرد تا اعتماد قوم باقی‌مانده خدا را به شهادت راستین متزلزل سازد.»

«نفرتی شیطانی بر ضد شهادت‌ها برافروخته خواهد شد. عملکردهای شیطان این خواهد بود که ایمان کلیساهای نسبت به آن‌ها متزلزل سازد، و علت این امر آن است که اگر هشدارها و توبیخ‌ها و اندرزهای روح خدا مورد توجه قرار گیرند، شیطان نمی‌تواند راهی چنین هموار برای وارد ساختن فریب‌های خود و در بند کشیدن جان‌ها در گمراهی‌های خویش داشته باشد.» Selected Messages, book 1, 48

آخرین فریب برای حکومتِ خداسالار اسرائیل باستان، ردّ نه‌تنها خدا، بلکه همچنین روح نبوت بود. آن ردّ در 1097 ق.م، فریب نهایی آدونتیسم لاودیکه‌ای روز هفتم را در 1863 نمونه‌وار می‌سازد. «هفت زمان» لاویان بیست‌وشش، کلام خداست، و روح نبوت درباره «هفت زمان» می‌گوید که «نباید تغییر داده شود.»

«دیده‌ام که جدول ۱۸۴۳ به هدایت دست خداوند تنظیم شده بود، و اینکه نباید در آن تغییری داده شود؛ و اینکه ارقام همان‌گونه بودند که او می‌خواست؛ و اینکه دست او بر فراز آن بود و اشتباهی را در برخی از ارقام پنهان نگاه داشت، به‌گونه‌ای که هیچ‌کس نمی‌توانست آن را ببیند، تا زمانی که دست او برداشته شد.» Early Writings, 74

روح نبوت آشکارا «هفت زمان» را تأیید کرد، و تأیید او هشدار بود مبنی بر اینکه ارقام نمودار تغییر داده نشوند؛ نموداری که در آن «هفت زمان» ستون میانی و گوشه بالای سمت راست را تشکیل می‌دهد. با نمودار جعلی اوریا اسمیت در سال 1863، ردّ تدریجی حقایق بنیادی—که به‌واسطه اسرائیل باستان در ردّ ایشان نسبت به خدا به‌صورت نمادین نشان داده شده بود—آغاز شد، و روح نبوت شورش 1863 را مشخص ساخت. تاریخ شورش 1863 با خط نبوی‌ای که در کتاب حزقیال بیان شده است، هم‌راستا می‌باشد. در آن خط تاریخی، نتیجه نهایی ویرانی اورشلیم بود، که به‌صورت نمادین معرف قانون یکشنبه بود. فاصله 1863 تا قانون یکشنبه قریب‌الوقوع، به‌واسطه تاریخ شاول پادشاه در 1097 پیش از میلاد تا صدقیا در 586 پیش از میلاد، به‌صورت نمادین نشان داده شده بود.

صدقیا چهارده سال پیش از یوبیل ۵۷۳ ق.م. به بابل به اسارت برده شد. هفدهمین چرخه یوبیل در ۶۲۲ ق.م. آغاز شد، و در سال سی‌ام، حزقیال در ۵۹۱ ق.م. به‌عنوان کاهن معرفی می‌شود؛ سپس پنج سال بعد، اورشلیم در ۵۸۶ ق.م. ویران گردید. این شهر در همان روز سال ویران شد که بار دوم نیز در

سال ۷۰ میلادی به دست تیتوس ویران شد. آیه نخست حزقیال یک، پنج سال پیش از ویرانی اورشلیم و نوزده سال پیش از رؤیای معبد در باب چهل است.

در سال بیست و پنجم اسارت ما، در ابتدای سال، در روز دهم ماه، در سال چهاردهم پس از آنکه شهر زده شد، در همان روز، دست خداوند بر من بود و مرا بدانجا برد. حزقیال ۴۰:۱

به سبب نافرمانی نسبت به عهد سبت زمین، خدا مقرر فرمود که «هفت زمان» لعنت نافرمانی نسبت به سال هفتم باشد، که همان سبت زمین است. «زمان» یک سال است، و «سال» سیصد و شصت روز؛ و هفت بار سیصد و شصت، دو هزار و پانصد و بیست سال می شود. ممکن است میلی‌ها تعبیر «بیست و پنج بیست» را به کار نبرده باشند، اما هر دو نمودار مقدس ایشان، به طور عددی، دو هزار و پانصد و بیست سال را مشخص کرده بودند.

اعلان لعنت هفت‌زمانه بر هر دو، پادشاهی شمالی اسرائیل و پادشاهی جنوبی یهودا، نخستین فهم ویلیام میلر بود؛ یا می‌توان گفت فهم «بنیادین» او، و حتی می‌توان آن را فهم «الفای او» نامید. در سال ۱۸۶۳، کلیسای لاودیکه‌ای ادونتیست روز هفتم، فهم بنیادین اکتشافات میلر را رد کرد؛ «اکتشافاتی» که تمامی بنیان جنبش میلی‌ری را نمایندگی می‌کرد. الهام مستقیماً هشدار داده بود که ممکن است چنین شود، و چنین شده است، و زمان درازی از وقوع آن می‌گذرد.

پی معبدی که پس از اسارت در بابل بازسازی شد، در جریان تاریخ فرمان نخست، و پیش از فرمان دوم، تکمیل گردید. معبد در تاریخ فرمان دوم به طور کامل بنا شد. در فرمان سوم، حاکمیت ملی به اسرائیل باستانی تحت‌اللفظی بازگردانده شد. ویلیام میلر نمایانگر فرشته اول بود که در ۱۷۹۸ رسید و در ۱۱ اوت ۱۸۴۰ قدرت یافت. فرشته دوم پس از آن که پی‌ها نهاده شد، رسید؛ چنان که نمودار ۱۸۴۳ که در ماه مه ۱۸۴۲ منتشر شد، آن را نمایان می‌سازد. در نخستین نومیدی ۱۸۴۴، نومیدی آلفای ۱۸۴۴، فرشته دوم و نیز زمان تأخیر در مثل باکره‌ها فرارسید؛ و هنگامی که پیام فرشته دوم در گردهمایی اردویی اکستر قوت یافت، معبد تکمیل شد. سپس در نومیدی عظیم، یا نومیدی امگای ۱۸۴۴، رسول عهد ناگهان به معبد خود آمد، در تحقق دو هزار و سیصد سالی که از فرمان سوم آغاز شد و با رسیدن فرشته سوم به پایان رسید.

یوشیا به معنای «بنیاد خدا» است. خواه یوشیای پادشاه باشد و خواه یوشیا لیچ، هر دو نماد بنیادها هستند؛ چنان که در تاریخ فرمان نخست بازنمایی شده‌اند و نیز چنان که به وسیله اعیاد بهاری که در بیست و دو آیه نخست لاویان بیست و سه بیان شده‌اند، بازنموده می‌شوند. بنیادها، اعیاد بهاری، و فرمان نخست، همگی نمادهای ۱۸۴۰ و اقتداربخشی فرشته اول هستند. ۲۲ اکتبر ۵۷۳ ق.م، آن گونه که در حزقیال باب چهل و آیه یک آمده است، نمادی از ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ و گشایش دآوری مردگان است، و نیز نمادی از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در هنگام گشایش دآوری زندگان. هر کس که این مقالات را دنبال کرده باشد، باید کاربردهایی را که من به کار می‌برم، بداند.

حزقیال در درون تاریخ نبوی‌ای که در نوشته‌های او بازنموده شده است، نمادی است. حزقیال در آنجا حضور دارد هنگامی که آن بیست و پنج مرد در پایان باب هشتم در برابر خورشید سجده می‌کنند. او همچنین در باب‌های بعدی نیز حضور داشت، آنگاه که «مهرگذاری‌ای که به دنبال آن کشتار می‌آید» بر اورشلیم واقع می‌شود؛ اورشلیمی که الن وایت آن را کلیسای ادونتیست روز هفتم معرفی می‌کند. در یازده باب نخست، حزقیال به حرم آسمانی آورده می‌شود تا دستورهای خود را دریافت کند، همان گونه که از میلی‌ری‌ها در سال ۱۸۴۴ خواسته شد چنین کنند، و همان گونه که اکنون از این جنبش نیز خواسته می‌شود چنین کند.

پس حزقیال برای شما نشانه‌ای است؛ بر وفق هر آنچه او کرده است، شما نیز خواهید کرد؛ و چون این واقع شود، خواهید دانست که من یهوه خداوند هستم. حزقیال 24:24.

آنگاه که این واقع شود

هنگامی که در ایّام آخر به آن نقطه برسیم که اموری که حزقیال به تصویر کشید، در میان قوم خدا بار دیگر تکرار می‌شود، آنگاه به نشانهٔ حزقیال رسیده‌ایم. هنگامی که بدانید حزقیال نمایندهٔ آن یک‌صد و چهل‌وچهار هزار است، و این را در مرتبه‌ای از ایمان و فهم بدانید که متضمن انتظار تقدیس شده است، بدین معنا که هر آنچه حزقیال در نوشته‌های خود به تصویر کشیده، نمونهٔ پیشگویانهٔ توالی مقدّسی از وقایع در ایّام آخر است که با آن یک‌صد و چهل‌وچهار هزار ارتباط دارد—هنگامی که این را بدانید، آنگاه «خواهید دانست» که «یهوه» همان «خدا» است.

این اندیشه‌ها را در مقالهٔ بعدی ادامه خواهیم داد.